«فجر جهانی» از ثبت بین‌المللی تا انحلال ناگهانی؛

سیمرغ سرگردان است!

بخش ملی و جهانی جشنواره فیلم فجر به‌عنوان مهمترین رویداد سینمایی ایران در حالی دوباره در هم ادغام می‌شوند که هنوز ابهاماتی درباره پیامدهای این تصمیم وجود دارد.

مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی در بخشی دیگر از سخنان خود در این نشست اظهار داشت: باید توجه داشت که مناطق آزاد بهترین محل برای رشد ایده‌های سینمایی در سایه معافیت‌های مقرراتی و دسترسی‌ها از سویی، و تقویت زیرساخت‌های فناورانه در سینما و مبدا و محل ورود تکنولوژی‌های نوین از سوی دیگر خواهد بود.

گروه سینما و تلویزیون– چهلمین سال، چهلمین دوره، چهلمین گام، چهلمین برداشت...؛ «چهل» اساساً نه در فرهنگ ما که در همه جای جهان نمادی از پختگی و ثبات است. الحاق «چهل» به هر واژه‌ای تعبیر آن را وارونه می‌کند و در ذهن‌ها تداعی‌کننده حرکت در یک مسیر مشخص است. معادلات اما در همه جای جهان یکسان نیست، این مسیر هم در همه امور نه هموار که گاهی سنگلاخ است. حتی اگر چهل سال از زمان اولین قدم‌هایش گذشته باشد.

این می‌تواند روایتی کوتاه از سرگذشت و سرنوشت یک جشنواره هم باشد که اتفاقاً عنوان مهمترین رویداد فرهنگی کشور را یدک می‌کشد، همان که بستر ظهور استعدادها و تداوم حرکت باتجربه‌ترهاست. هر بار اما شکلی به خود می‌گیرد و در هر دوره با چالشی مواجه می‌شود؛ این را تجربه سی‌ونه دوره برگزاری آن می‌گوید.

جشنواره فیلم فجر را حالا دیگر همه می‌شناسند، اگرچه در دو سال گذشته دیگر آن صف‌های طولانی برای خرید بلیت فیلم‌ها و ارائه سانس‌های فوق‌العاده رخ‌نمایی نکرده است اما اگر کمی ذهن‌ها را به عقب ببریم، خاطراتشان برایمان مرور می‌شود. جشنواره فیلم فجر را قدیمی‌ترین جشنواره منطقه قلمداد می‌کنند اما عمده ویژگی آن را می‌توان همان «بی‌ثباتی» نام نهاد که باعث شده است هنوز ساختار مشخصی نداشته باشد و در همان منطقه از حیز انتفاع خارج باشد، گاه بر بخش‌های آن اضافه می‌کنند، گاه آئین نامه‌اش دستخوش تغییر می‌شود، گاه بخش ملی آن از بخش بین الملل‌اش مجزا می‌شود و حالا هم در تازه‌ترین اقدام حکم به ادغام دوباره هر دو بخش داده‌اند، ورای این تصمیم اما سویه اولیه‌ای دیده می‌شود؛ دو پاره کردنش در همان زمان ملاحظات و منتقدانی به خود دید. حالا اما ورق برگشته، این تقویم به عقب کشیده و مهره‌هایش مانند پیش از اردیبهشت سال ۹۵ چیده شده است؛ همان سالی که اولین دوره جشنواره فیلم فجر با شکل و شمالی تازه و با نام «جشنواره جهانی فیلم فجر» برگزار شد همان سالی که منتقدان اطلاق عنوان «جهانی» بر قامتش را بی اندازه و بی قواره و مایه اعجاب می‌خواندند. این جداسازی اما دیری نپایید و حالا قرار است پس از پنج دوره استقلال، بخش ملی و بین‌الملل باز هم به هم برسند و از سال ۱۴۰۱ هر دو جشنواره به صورت یکپارچه باشند.

نکته اول؛ جشنواره فیلم فجر از چه زمانی بین‌المللی شد؟

میانه بهمن ماه هر سال در تقویم فرهنگی به نام جشنواره فیلم فجر ثبت شده است، رویدادی که در طول ادوار مختلف، آنچه از تاریخ برگزاری‌اش ثابت باقی مانده، زمان اختتامیه‌اش بوده است. ۲۲ بهمن ماه هر سال برگزیدگان این رویداد سینمایی معرفی می‌شود تا سال جدید سینمایی تحویل شود. از جشنواره فیلم فجر به عنوان مهمترین ماراتن سینمایی یاد می‌شود که ویترین سالانه فیلم‌های سینمایی را تشکیل می‌دهد، به رغم همه انتقادات و تحریم‌هایی که گاه دامنش را می‌گیرد اما آنچه مسلم است این است که هنوز جایگاهی مثال زدنی در میان سینماگران دارد، هنوز با فرا رسیدن بهمن ماه شور و شوق سینماگران و البته مخاطبان برای رونمایی از محصولات تازه سینمای ایران برانگیخته می‌شود. جشنواره‌ای که تولدش پیوند می‌خورد به سال ۶۱. همان زمان که نخستین دوره‌اش به دبیری حسین وخشوری برگزار شد؛ میراثی که چهل سال به رغم همه ناملایمات و همه فراز و فرودها دوام آورده تا در سال آینده گونه‌ای تازه از آن را تجربه کنیم. جشنواره فیلم فجر هر چند در دوره اول با اکران فیلم‌های خارجی همراه بود اما از دوره دوم تا هفتم به‌صورت کاملاً داخلی و محدود به نمایش و داوری فیلم‌های ایرانی برگزار شد و پس از آن بود که باردیگر پسوند «بین‌المللی» به خود گرفت تا در قامت جهانی ظاهر شود.

محمد خزاعی رئیس سازمان سینمایی اما کمی پیشتر در حاشیه برگزاری جشنواره فیلم کوتاه تهران خبر از نگارش آئین نامه تازه جشنواره فیلم فجر داده و عنوان کرده بود «دبیر جشنواره ملی فیلم فجر هفته آینده مشخص خواهد شد، آئین‌نامه آن در حال نگارش است. در نظر داریم شورایی داشته باشیم تا ببینم چه برنامه‌هایی می‌توانیم برای چهلمین دوره داشته باشیم که طراحی خاص آن در حال انجام است. یک سری تغییرات هم در جشنواره خواهیم داشت که بعداً اعلام می‌شود ولی تقریباً مذاکرات دبیر آن انجام شده است.» این ادغام حالا اولین اقدام و نخستین گام مدیریتی خزاعی در جهت تغییر و تحول جشنواره فیلم فجر است، جشنواره‌ای که هرچند در دوره اول با اکران فیلم‌های خارجی همراه بود اما از دوره دوم تا هفتم به‌صورت کاملاً داخلی و محدود به نمایش و داوری فیلم‌های ایرانی برگزار شد و پس از آن بود که باردیگر پسوند «بین‌المللی» به خود گرفت تا در قامت جهانی ظاهر شود از همین دوره بود که علاوه بر تولیدات سینمای ایران، فیلم‌هایی از سطح جهان هم مورد واکاوی و نمایش قرار گرفت اما سال‌ها بعد دوباره این دو بخش از هم جدا و با تأخیری سه ماهه، به دنبال یکدیگر برگزار شدند. هر ۵ دوره برگزاری مجزایش اما پر تلاطم بوده است، امواج سهمگینش تا آنجا پیش رفته که گاه برگزارکنندگانش را پیوند زده‌اند به برخورداری از پول‌های بی حساب و کتاب، گاه آنها را خارج از مدار توصیف کرده‌اند و گاه نقدهایی روا داشته‌اند مبنی بر اینکه به جای پول پاشی برای این رویداد، بودجه آن را صرف کم برخورداران سینما کنند. این تلاطم تا جایی پیش رفت که یک دوره هم به همت کرونا تا ورطه تعطیلی کشیده شد اما سرانجام عزم بر برگزاری‌اش کردند.

نکته دوم؛ ایده جداسازی از چه زمانی مطرح شد؟

اولین خبرها از استقلال بخش ملی از بخش بین‌الملل را علیرضا رضاداد در نخستین جلسه ستاد برگزاری سی و دومین جشنواره فیلم فجر عنوان کرد؛ «مرد در سایه سینمای ایران» که پیش از استقرار محمد خزاعی، عمده قدرت را به نفوذ و حضور او در سینما منتسب می‌کردند. همان که طرح تغییرات از زمان دبیری او و ریاست حجت‌الله ایوبی در سازمان سینمایی کلید خورد. هم او بود که از الزام یک «پوست اندازی» در فعالیت‌های بین‌الملل سینمای ایران و جشنواره فیلم فجر سخن به میان آورد و بیان کرد که این رویداد باید از محرومیتی که بخش بین‌الملل در نتیجه نداشتن تولید مناسب با آن مواجه است، بیرون آید و از آن به عنوان «زنگ اجرای تغییرات اساسی در جشنواره فیلم فجر» یاد کرد. گرچه ترجیح علیرضا رضاداد بر عدم مصاحبه است و در سال‌های اخیر کمتر مواضع و نسبتش را با تصمیمات مدیریتی روشن کرده اما به موازات او مدیران پیشین هم از پاسخ دادن به سوالاتی درباره مناسبات او با مجموعه سینمای ایران، طفره می‌رفتند با این حال پر بیراه نیست که اگر بگوییم جداسازی دو بخش ملی و بین‌المللی جشنواره فیلم فجر ماحصل و یادگار دوران مدیریت اوست. علیرضا رضاداد را می‌توان یکی از بازوهای اجرایی و قوه قاهره این تصمیم برشمرد. رضاداد در همان سال‌ها در گفتگویی بیان کرده بود که «ما می‌دانیم متقاضیان گسترده‌ای برای حضور در جشنواره و دیدن فیلم‌هایی غیر از سینمای ایران تاکنون نداشته‌ایم در حالی که در سایر جشنواره‌های بزرگ دنیا غیر از تولیدکنندگان اثر و کسانی که دوست دارند فیلم‌های خود را در ایام جشنواره ببینند متقاضیان زیادی برای حضور وجود دارد. بنابراین بخش بین‌الملل جشنواره فیلم فجر می‌تواند به محلی برای جلب سرمایه و ایجاد یک تعامل برای مشارکت در تولید فیلم تبدیل شود. در نظر گرفتن این ملاحظات است که مدیران جشنواره را به تفکیک بخش بین‌الملل از مسابقه سینمای ایران تشویق کرده است».

«بازخوانی» و «بازنگری» در مقررات جشنواره فیلم فجر دو کلیدواژه ناگسستنی در آن دوران بود که همواره در ادبیات سینمایی مدیران به کار برده می‌شد تا به تعبیر خودشان به پویایی این رویداد سینمایی کمک کند. سرانجام هم همین شد و این جراحی اساسی انجام شد تا بخش بین‌الملل که پیش از آن در سایه و دنباله رو بخش ملی بود، از سیطره این اتهام خارج شود و هویتی مستقل به خود بگیرد.

سرانجام ابوذر ابراهیمی ترکمان (رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی)، سید روح‌الله حسینی، محمد حمیدی مقدم، علیرضا شجاع‌نوری، نادر طالب‌زاده، محمدمهدی عسگرپور، رائد فریدزاده، مصطفی کاظمی (مشاور و مدیرکل دفتر شهردار تهران)، سیدرضا میرکریمی و سید عباس موسوی (سخنگوی وزارت امور خارجه) گردهم آمدند تا در قالب شورای سیاست‌گذاری اولین دوره تفکیک شده آن جشنواره فیلم فجر را رقم بزنند.

گرچه همان دو کلیدواژه که کمی پیش‌تر درباره آنها گفتم حالا هم کاربردی است و در محافل سینمایی شنیده می‌شود. از رهگذر همان هاست که حالا بعد از چند دوره این دو رویداد قرار است دوباره به صورت واحد و در هم تنیده شوند!

نکته سوم؛ موافقان و مخالفان تفکیک «فجر جهانی» چه می‌گفتند؟

عمده‌ترین انتقادات در سال‌های برگزاری جشنواره فیلم فجر طی دهه‌های گذشته به این معطوف می‌شد که اساساً بخش بین‌الملل آن نه تنها کاربرد که حتی محلی از اعراب هم ندارد. «بین‌المللی» کلمه‌ای زینتی است که تنها به آن الحاق می‌کنند، نه فیلم‌هایش مخاطبانی دارد و نه اهمیت فیلم‌های بخش ملی اجازه بروز و ظهور به بخش بین‌الملل‌ش را می‌دهند، مهمانان خارجی‌اش هم بدون هیچ خروجی مناسب و دستاوردی برای سینمای ایران در حاشیه این رویداد می‌آیند و می‌روند. از شدت این بحث‌ها اما حتی در سال‌های بعد کاسته نشد و این انتقاد در روزهای جداسازی دو بخش باز هم به برگزارکنندگان روا می‌شد که همچنان فیلم‌های ایرانی در این رویداد طالبان بیشتری دارند. تا آنجا که رضا میرکریمی که سکاندار چهار دوره ابتدایی برگزاری مستقل «فجر جهانی» بود در گفتگوهایش به تناوب و به تواتر عنوان کرد حتی در جشنواره‌های مهم جهانی هم این فیلم‌های کشور میزبان هستند که مخاطبان بیشتری را در پی دارند. در همان دوران تفکیک اما مخالفان «فجر جهانی» به این نکته تکیه می‌زدند که این رویداد فاصله زیادی با یک جشنواره استاندارد جهانی دارد و سر و شکل بین‌المللی هنوز به خود نگرفته است. فارغ از انتقادات منتقدان باید بپذیریم که جشنواره فیلم فجر بیشتر از آنکه رویدادی در سطح جهانی باشد، یک رویداد محلی است که مصرف داخلی دارد و اتفاقاً میزان اهمیتی که در داخل کشور به آن داده می‌شود فراتر از ابعاد جهانی آن است. با این حال مخالفانش همچنان بر مواضع سفت و سخت خود اصرار می‌ورزیدند و عنوان می‌کردند هیچ فیلم معتبر خارجی حاضر نمی‌شود اولین نمایشش را در جشنواره جهانی فیلم فجر تجربه کند و اساساً «رونمایی از فیلم» در این رویداد سینمایی اتفاق نمی‌افتد. جداسازی‌اش با آنکه منتقدان را راضی نکرد اما مهمترین دستاوردش را می‌توان خارج شدن فیلم‌های بخش بین‌الملل از زیر سایه بخش ملی تلقی کرد. گرچه آن صف‌های تماشای فیلم‌های ایرانی برای آثار خارجی تشکیل نمی‌شد اما مخاطبان رفته رفته با این بخش آشنا شده بودند و به تماشای آثار کشورهای دیگر هم می‌نشستند، اتفاقی که در طول ۳۳ دوره برگزاری یکپارچه آن کمتر دیده شده بود.

پررنگ شدن حضور چهره‌های بین‌المللی که در قالب کارگاه‌ها، تجربیات خود را با هنرجویان ایرانی به اشتراک می‌گذاشتند وجه دیگری بود که به لطف همین تفکیک پدیدار شد تا آنجا که چهره‌هایی همچون الیور استون، الکساندر سوکوروف، نیکولا پیووانی، پل شریدر و... راهشان به سینمای ایران باز شد و هم قدم با فیلمسازان ایرانی به ارائه نکاتی به علاقه‌مندان سینما پرداختند.

حضور چهره‌های بین‌المللی در «فجر جهانی» البته خالی از نقد نبود به طوری که صحبت‌های حاشیه‌ای حول این محور بود که این چهره‌های بین‌المللی با دریافت پول‌های کلان حاضر به حضور در این رویداد شدند؛ نکته‌ای که البته دبیر جشنواره هیچوقت آن را نپذیرفت و عنوان کرد ریالی به مهمانان خارجی پرداخت نشده است

همین حضور هم البته خالی از نقد نبود به طوری که صحبت‌های حاشیه‌ای حول این محور بود که این چهره‌های بین‌المللی با دریافت پول‌های کلان حاضر به حضور در این رویداد شدند؛ نکته‌ای که البته دبیر جشنواره هیچوقت آن را نپذیرفت و عنوان کرد ریالی به مهمانان خارجی پرداخت نشده است. در چند دوره بعد حتی ترکیب حضور مهمانان خارجی هم به چالش کشیده شد به طوری که برخی مخالفان عنوان می‌کردند ترکیب سینماگران خارجی نه در بخش کارگاه‌های انتقال تجربه و نه حتی در هیأت‌های داوری مورد وثوق یک جشنواره سطح الف نیست.

جشنواره جهانی فیلم فجر با همه نقدها و مخالفت‌ها اما فرصتی برای فیلم‌های جامانده از بخش ملی بود، رونمایی از فیلم‌های کارگردانانی همچون سروش صحت، بهمن فرمان آرا، رامتین لوافی و... گواهی بر همین موضوع است. در شرایطی که فیلم‌های جامانده از جشنواره ملی فیلم فجر همواره گله‌هایی از انتخاب نشدن فیلم‌هایشان داشتند، این رویداد را آلترناتیوی برای معرفی آثارشان می‌دیدند. این اتفاق ضمن آرام کردن فضا، بستری برای برد تبلیغاتی فیلم‌ها می‌شد. انتقاد بعدی اما به این بازمی گشت که سهم جشنواره جهانی فیلم فجر از بازار جهانی چیست. رویدادی که نتوانسته است فضایی در بازار جهانی به خود اختصاص بدهد و از چرخه اقتصادی آن خارج بوده است. این انتقاد اما هر بار با این پاسخ دبیران ۵دوره جشنواره جهانی فیلم فجر مواجه بوده است که بازار این رویداد سینمایی اتفاقاً مطلوب کشورهای همسایه و البته دیگر کشورهاست تا آنجا که هر ساله خود را به آن می‌رسانند و به تبادل آرا با شرکت‌های پخش ایرانی می‌پردازند. از رهگذر همین امر بود که سال گذشته برگزارکنندگان سی و هشتمین دوره جشنواره جهانی فیلم فجر با پلتفرم معتبر جهانی با نام سیناندو به انعقاد قرارداد پرداختند تا در فضای کرونازده و در شرایطی که مهمانان امکان حضور فیزیکی ندارند در همین پلتفرم ملاقات‌ها و مذاکرات مالی و سینمایی داشته باشند. این پلتفرم همان سرویس درخواستی است که جشنواره فیلم کن، ونیز و... نیز از آن استفاده می‌کنند.

نکته چهارم؛ چالش‌های پیش روی سازمان سینمایی برای ادغام دوباره چیست؟

گرچه هر جشنواره، هر رویداد و اساساً هر حرکتی نیازمند نظام‌های پشتیبانی مناسبی است اما به نظر می‌رسد تصمیم محمد خزاعی برای ادغام این دو جشنواره با چالش‌ها و ملاحظاتی رو به رو است.

اردیبهشت امسال بود که محمدمهدی عسگرپور دبیر جشنواره جهانی فیلم فجر از پیوستن این رویداد به فیاپف (فدراسیون بین‌المللی انجمن تهیه‌کنندگان فیلم) خبر داد؛ این ثمره ۵ دوره برگزاری این رویداد بود که بالاخره در این دوره به بار نشست.

اهمیت این ثبت جهانی و پیوستن به فیاپف در آن است که به گفته دبیران این رویداد تنها ۱۶ رویداد معتبر در سطح جهان توانسته‌اند به این جایگاه برسند. اتفاقی که می‌توانست دروازه‌ای برای مطرح شدن سینمای ایران در سطح جهان شود. حالا اما با ادغام این دو بخش سرنوشت این موضوع هم در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، رویدادی که توانسته گامی بلند در ثبت جهانی بردارد تنها یک سال بعد از موفقیتش بلافاصله در تقویم سینمایی جا به جا می‌شود که اتفاقاً یکی از اساسی‌ترین دلایل در تأخیر این ثبت همان تاریخ برگزاری اش بود. ادغام دوباره بخش ملی و جهانی فیلم فجر، به تعبیری به معنای انحلال «فجر جهانی» می‌تواند قلمداد شود و این اتفاق یعنی یکی از دستاوردهای سینمای ایران در سال گذشته در تصمیم‌گیری تازه مدیران سینمایی به‌طور کامل نادیده انگاشته شده است. محمد خزاعی حالا باید روشن سازد که راه حلش برای باز کردن این گره چیست و آیا اساساً این امر برایش موضوعیت دارد یا نه.

«گفتگوهای میان فرهنگی، ایجاد پتانسیل‌های بالقوه برای تبدیل شدن به ویترین سینمای خاورمیانه، پویایی اقتصاد سینما، روزآمدسازی و ارتقای سطح دانش و بینش سینماگران ایرانی از طریق تبادل تجربه با سینماگران خارجی، تقویت حضور در بازارهای منطقه‌ای و جهانی» اهدافی است که محمد خزاعی بیان کرده است با ادغام این دو جشنواره مسیر رسیدن به آنها هموار می‌شود؛ اصطلاحاتی کلان و کلی که اشاره‌ای به جزئیات و چگونگی دستیابی به آنها نشده است.

بایگانی سازمان‌ها و نهادهای بزرگ و کوچک که برخاسته از آرمان‌های انقلاب هستند، کم شاهد تولیداتی تحت لوای همین موضوعات نبوده‌اند که کمترین قرابتی با مخاطبان نداشته و با نازل‌ترین کیفیت‌ها ارائه شده‌اند به طوری که حتی گاه صاحبانشان آرشیو شدن این آثار را به اکران کم مخاطبش ترجیح داده‌اند.

حالا برای دوری از این گرداب باید دید برنامه کاربردی محمد خزاعی چیست؛ «ادغام» آیا واقعاً راه‌حلی برای تحقق این اهداف است؟

«قهرمان» گیشه ۱۴۰۰

گروه سینما و تلویزیون– سینمای ایران پس از یک سال و نیم رکود در حالی به استقبال اکران فیلم سینمایی «قهرمان» ساخته اصغر فرهادی می‌رود که چشم بسیاری از سینماداران به بازگشت رونق به گیشه با نمایش این فیلم است.

فیلم قهرمان به کارگردانی اصغر فرهادی در سینماهای سراسر کشور اکران شد. قهرمان که در شهر شیراز فیلمبرداری شده است، داستان کاراکتری به نام رحیم را دنبال می‌کند که از همسرش جدا شده و به علت بدهی در زندان است.

در یک مرخصی دوروزه، سرنوشت ۱۷ سکه طلا را سر راه رحیم می‌گذارد اما وی پس از پی بردن به آن که این سکه‌ها برای بازپرداخت بدهی و آزادی از زندان کافی نیستند تصمیم می‌گیرد آنها را به صاحب اصلی شان برگرداند. این اقدام فداکارانه از رحیم در شبکه‌های اجتماعی یک ستاره می‌سازد اما...

این فیلم که محصول مشترک ایران و فرانسه است و اولین بار در بخش رقابتی جشنواره کن اکران و با تحسین منتقدان روبرو شد، در جشنواره یادشده هم جایزه بزرگ و هم جایزه فرانسوا شاله را از آن خود کرد. در این فیلم که نماینده ایران در اسکار ۲۰۲۰ است، امیر جدیدی، محسن تنابنده، فرشته صدرعرفایی و سارینا فرهادی و جمعی از بازیگران بومی شهر شیراز ایفای نقش کرده‌اند.

حالا چشم امید بسیاری از جمله سینمادارها به بازگشت رونق گیشه با فیلم قهرمان است و البته فیلم کمدی گشت ۳ که هرچند پیش‌تر اعلام شده بود این فیلم هم همزمان با قهرمان اکران خواهد شد و مجوز نمایش هم گرفته اما همچنان خبری از نمایش قطعی آن نیامده است.

اما از ابتدای تیر امسال بود که فیلم دینامیت به کارگردانی مسعود اطیابی اکران شد تا طی ۴ ماه نمایش با فروش بیش از ۱۷ میلیارد تومان به نوعی جبران شکست پنج فیلم اکران نوروزی را کند.

به تازگی نیز فیلم درخت گردو به کارگردانی محمدحسین مهدویان نیز رنگ روی پرده نقره‌ای را دیده و با فروش نسبتا مناسب دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومانی روبرو شد.

پوست نخستین تجربه برادران ارک هم تاکنون ۳۵۰ میلیون تومان فروخته است تا بعد از یک هفته نمایش فروش امیدوارکننده‌ای تلقی شود.

حالا به نظر می‌رسد با اضافه شدن احتمالی گشت ۳ در کنار قهرمان، دینامیت، پوست و درخت گردو هم سینماها به لحاظ تنوع ژانر و هم کیفیت در شرایط ایده‌آلی قرار دارند و در واقع همه چیز برای بازگشت رونق به گیشه مهیا است.

به حقیقت پیوستن رویای کارگردان؛

ساخت دنباله «تل‌ماسه» بعد از موفقیت باکس آفیسی تایید شد

گروه سینما و تلویزیون –فیلم علمی تخیلی دنیس ویلنوو با وجود بودجه هنگفتش سودآور بوده از همین رو قرار است دنباله آن ساخته شود. رویای دنیس ویلنوو برای کامل کردن فیلم ۲ قسمتی «تل‌ماسه» دارد به حقیقت می‌پیوندد چون شرکت‌های لجندری و وارنر برادرز اعلام کردند، دستور ساخت قسمت دوم این فیلم را دادند و تاریخ بیستم اکتبر ۲۰۲۳ را برای اکرانش انتخاب کرده‌اند. نخستین فیلم این مجموعه روز بیست‌ودوم اکتبر به صورت هم‌زمان در سینماها و سرویس استریمینگ اچ‌بی‌او مکس پخش شد و توانست در آمریکای شمالی در نخستین آخر هفته خود بیش از ۴۰ میلیون دلار بفروشد که قوی‌ترین فروش افتتاحیه در میان کل فیلم‌های ویلنوو و همچنین کل فیلم‌های وارنر برادرز در سال جاری بود. ویلنوو در اعلام خبر دستور ساخت قسمت دوم فیلمش گفت: رویای من بود که اقتباسی از «تل‌ماسه» فرنک هربرت را بسازم و به خاطر حمایت از این رویا باید از هواداران، دست‌اندرکاران، لجندری و وارنر برادرز تشکر کنم. این فقط آغاز ماجراست. مجموعه‌ای بزرگ از بازیگران از جمله تیموتی شالامه، ربکا فرگوسن، اسکار آیزک، جیسون مومواَ، جاش برولین و زندایا در فیلم اول بازی می‌کنند. اما این فیلم فقط بخشی از رمان معروف علمی تخیلی سال ۱۹۵۶ فرنک هربرت را تعریف می‌کند. این فیلم در باکس آفیس جهانی توانسته تا امروز ۲۲۳ میلیون دلار بفروشد و این در حالی است که فروش خود را از اوایل همین ماه آغاز کرده است. البته بودجه ساخت فیلم قبل از بازاریابی رقم چشمگیر ۱۶۵ میلیون دلار بوده که بیشتر آن توسط استودیوی لجندری تامین شده است.

بازیگر فیلم سینمایی «ایکس لارج»:

سبک و ژانر فیلم هیچ‌وقت ملاک انتخابم نبوده است

گروه سینما و تلویزیون –بازیگر سینما و تلویزیون، گفت: هیچ وقت سبک و ژانر فیلم برایم مهم نبوده بلکه تاثیر مثبت بر مخاطب با دیدن فیلم، اهمیت بیشتری دارد.

محمدرضا رهبری درباره سینمای امروز ایران در مقایسه با یک دهه گذشته، اظهار داشت: سینمای دنیا به لحاظ فناوری پیشرف خوبی داشته اما سینمای ما همچنان در این حوزه با مشکلاتی رو بروست که شاید واژه جاماندگی در صنعت سینما البته بیشتر در استفاده از تجهیزات و میزان سرمایه‌گذاری، واژه درست‌تری برای توصیف آن باشد.

وی افزود: اگرچه ما از سینمای جهان در این بخش بسیار عقب هستیم نمی‌شود این واقعیت را هم کتمان کرد که در سال‌های اخیر فیلم‌های ارزشمند بسیاری در صنعت سینمای ایران تولید و در جشنواره‌های بین‌المللی تقدیر شده و تا به امروز شاهد چنین درخششی در تاریخ سینمای کشور نبودیم.

بازیگر فیلم‌های سینمایی ایکس لارج، مسلوب و سرزمین آبی گفت: اما شاید فرق دوره کنونی نسبت به دو سه دهه پیش در کشور جهت‌دهی سلیقه مخاطب توسط فیلمسازان بوده که بیشتر تولیداتی متناسب با جو و فضای سیاسی و اقتصادی ساخته شده‌اند.

رهبری درباره چرایی استفاده نکردن از توان و استعدادهای موجود و پنهان در صنعت سینما و تلویزیون کشور معتقد است: شاید ما در حوزه‌های مختلف و رشته‌های ورزشی و علمی بعضا استعدادیابی کردیم اما در سینما هرگز این اتفاق نیفتاده است. دلیل این امر روابط پنهان و باندبازی‌های عده‌ای معدود است که همیشه هم در پروژه‌های سینمایی و تلویزیونی حضور دارند و ایفای نقش کرده‌ند.

بازیگر مجموعه‌های تلویزیونی پرستاران و به کجا چنین شتابان، گفت: فقدان حمایت مالی و سرمایه‌گذاری نهادهای دولتی از سینما مانع شده تا خون تازه‌ای به سینمای فرسوده این روزها برسد.

رهبری که در دو سال گذشته موفق به ایفای نقش در مجموعه‌های تلویزیونی خانه امن، دادزن و بچه مهندس ۴ شده، درباره ملاک‌های انتخاب نقش‌های سینمایی خود می‌گوید: هیچ وقت سبک و ژانر فیلم برایم مهم نبوده بلکه تاثیر مثبتی که بر مخاطب با دیدن فیلم گذاشته می‌شود اهمیت بیشتری دارد. ملاک انتخاب نه تنها برای من بلکه اکثر بازیگران در درجه نخست دارا بودن ویژگی‌های منحصربه‌فرد در نقش پیشنهادی است.

وی درباره انگیزه تداوم فعالیت خود در سینما و تلویزیون با وجود کاستی‌های احتمالی در این صنعت اظهار داشت: بنا به یک ضرب‌المثل معروف، هر کسی را بهر کاری ساختند. تنها انگیزه من عشقی است که به کارم دارم و از وقتی خودم را شناختم تاامروز این عشق در وجودم بوده است. رهبری در این باره که اگر مجالی فراهم شو، حاضر به ایفای نقش در تولیدات خارجی است یا خیر، گفت: بعضی از بازیگرانی که در سینمای ایران اینک کار می‌کنند با رعایت چهار چوب‌های مد نظر سینمای ایران در کشورهای دیگر نیز فعال اند. همان‌طور که ما در فوتبال لژیونر داریم در سینما هم برای صدور بازیگر به خارج از کشور به شرط رعایت برخی قوانین تاامروز منعی وجود نداشته است. بازیگر سریال میوه ممنوعه به این سوال که در تولیدات فاخر سینما موفق بوده یا تلویزیون، گفت: اگر منظور از آثار فاخر تولیدات تاریخی، جنگی و کلاسیک باشد، چنین تولیداتی برای سرمایه‌دار شخصی و خصوصی توجیه اقتصادی ندارد مگر اینکه توسط نهادهای دولتی حمایت مالی و لجستیکی از آنها صورت بگیرد و طبیعتا از آنجا که تلویزیون نهادی دولتی است، می‌تواند از پس مخارج این آثار بربیاید.

وی درباره نقش مشوق‌ها برای تداوم کار در سینما برای کسانی که از دوران کودکی و یا نوجوانی پا به این عرصه می‌گذارند گفت: همه نزدیکانم در ابتدا با ورود من به این عرصه مخالف بودند، چون این کار را یک شغل نمی‌دانستند اما پافشاری و پیگیری من غالب شد.

رهبری به کودکان و نوجوانان علاقه‌مند به ورود به صنعت سینما و تلویزیون توصیه کرد: در درجه نخست، عجله نکنید و صبور باشید. به وقتش همه چیز اتفاق می‌افتد. فقط یاد بگیرید و آموزش ببینید تا در موعد مقرر دست پر باشید.

شرکت آریا اطلس کیش
اظهارنامه اشخاص حقیقی و حقوقی
حسابداری، حسابرسی، بیمه تأمین اجتماعی، خرید و فروش فصلی، مالیات بر ارزش افزود، حقوق و دستمزد
آدرس: خیابان ساحل بازار دیپلمات طبقه اول تجاری واحد ۱۰۹
تلفن مرکز: ۴۴۴۶۱۱۵۱-۰۷۶
تلفن همراه: ۷۰۵۷۱۷۳-۰۹۱۲